

تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور بر مشارکت سیاسی در عصر حاضر

دکتر رضا پویزاد^۱، محمد تقی پور طاهر^۲

۱. عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

۲. دانشجوی دکترا، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران

چکیده

با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به بررسی تأثیرات مختلف این شبکه‌ها پرداخته و آن را از منظرهای مختلف واکاوی نموده‌اند. حال این سوال مطرح می‌شود که تأثیرات سیاسی این شبکه‌ها به چه صورت خود را نمایان می‌سازد؟ فرضیه این مقاله آن است که شبکه‌های اجتماعی در عصر کنونی تأثیرات بسزایی بر مسائل سیاسی بویژه مشارکت سیاسی دارد. که بسته به ویژگی‌های مخاطب و نحوه استفاده او مثبت یا منفی خواهد بود. در این مقاله ما درصدد بررسی کم و کیف تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روی مشارکت سیاسی هستیم و این تأثیر را از دو جنبه منفی و مثبت بررسی می‌کنیم. همچنین با بررسی مساله از منظر محققان علوم اجتماعی، امکانات سیاسی تکنولوژیک شبکه‌های اجتماعی در حوزه مشارکت، چون امکان بحث‌های آنلاین، تشکیل گروه‌ها و دسترسی به اخبار معتبر سیاسی را روشن می‌کنیم. سپس امکانات تعاملی این شبکه‌ها چه به صورت بین فردی و چه به صورت تعامل با نظام سیاسی را تشریح کرده و به توضیح دو نمونه از این تعامل یعنی بررسی جنبش‌های اجتماعی (تعامل از پایین) و نحوه حکومت‌داری خوب (تعامل از بالا) و تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر این دو مورد می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: شبکه اجتماعی، مشارکت سیاسی، رسانه‌های نوین، اینترنت، اجتماعات مجازی سیاسی.



مقدمه

مفهوم مشارکت سیاسی در عصر اطلاعات و گسترش ارتباطات دیجیتال، تبدیل به موضوعی حساس با مفهومی چندگانه شده است. با تغییر نوع زندگی شهروندان و ایجاد سبک جدید زندگی، مبتنی بر وب و فضای مجازی، درگیری شهروندان در فضای مجازی و ایجاد اجتماعات دیجیتال، زندگی سیاسی شهروندان نیز با تاثیر از این سبک زندگی، شکل و سیاق جدیدی هماهنگ با این نوع از زندگی یافته است. با گسترش این نوع از رسانه های نوین با ویژگی های خاص خود چون تعاملی بودن، امکان ایجاد رابطه دو یا چند سویه و بازخوردی فراهم گردیده است. چنین امکانی اکنون با ایجاد شبکه های اجتماعی سهل و آسان تر نیز شده است (بابایی، ۱۳۹۱: ۶).

مهمترین عاملی که نقش رسانه نوین را از سایر وسایل سنتی متمایز می سازد، قابلیت مبادله هم زمان اطلاعات است. این ویژگی در سایر وسایل ارتباط جمعی تقریباً وجود ندارد. عامل بعدی میزان اطلاعاتی است که در واحد زمان ارسال می شود. همچنین امکان چند رسانه ای بودن، آن را تا حد یک پدیده کاملاً انحصاری از سایر پدیده ها جدا می سازد. آخرین عامل، عدم امکان کنترل موثر تکنیکی و حقوقی در شرایط حاضر است. فناوری های مبتنی بر وب و ایجاد پلتفرم های اجتماعی شبکه های اجتماعی مجازی، به لحاظ عمومیت یافتن و محبوبیت در میان کاربران، فضاهای سنتی را درنوردیده و با کوچک کردن فضا، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از کنترل موثر از سوی مراجع قدرت، به وسیله ای بی بدیل در عرصه ارتباطات تغییر یافته و زمینه های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده اند (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

اینترنت دارای قابلیت است که به واسطه آن افراد می توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند، یا فرد به زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این موارد استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب تر میکند (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). بنابراین روز به روز قشرهای مختلف از پایگاه های اجتماعی گوناگون وارد این شبکه ها می شوند. شواهد تجربی نشان می دهد که میان گسترش رسانه ها و توسعه فرهنگ مردم سالارانه در یک کشور رابطه وجود دارد؛ به طوری که برخی محققان معتقدند رسانه ها عنصر مهم مردم سالاری را تشکیل می دهند. اینترنت با توجه به ویژگی هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی، در جوامع پیشرفته و تقویت مردم سالاری جوان در جوامع در حال توسعه به وجود آورده است (مسعود نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

اما محققانی نظیر پوتنام از تاثیر منفی رسانه های ارتباطی جمعی در فرایند اجتماعی شدن و بسیج سیاسی شهروندان بحث می کنند و نشان می دهند که رسانه ها به خصوص تلویزیون به طور بالقوه به انفعال شهروندان منجر می شود. بسیاری از محققان عقیده دارند که تکنولوژی های رسانه ای جدید موضوعات



جدیدی را پیش کشیده‌اند که باعث سازماندهی دوباره تعلقات سیاسی پیشین شده است. فرض اساسی اثرات سیاسی رسانه، این مساله است که رسانه‌های اجتماعی، فراهم کننده اطلاعات مقدماتی سیاسی است. همفکری با دیگران در آخر باعث رسیدن به یک توافق پایه‌ای در مورد واقعیت‌های اجتماعی می‌شود (همان: ۱۷۳).

اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی و سایبرنتیکی خود، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران گوناگون است و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها به شمار می‌رود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲). استفاده زیاد از اینترنت با توجه به جوان بودن و تحصیلات بالای اکثر کاربران، باعث گسترش اعتماد و ارتباط سیاسی بین شهروندان می‌شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به طور کلی با اهدافی از قبیل سازماندهی انواع گروه‌های اجتماعی مجازی، توسعه مشارکت‌های اجتماعی و به اشتراک گذاری علاقه‌مندی‌ها، باعث می‌شود کاربران علائق و دل مشغولی‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. یکی از تاثیرات شبکه‌های اجتماعی، شکل‌گیری مفاهیمی چون صمیمیت و اعتماد در فضای سایبر است. مفاهیمی که در گذشته دستیابی به آنها در حد یک رویا بوده است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴).

مزایای شبکه های اجتماعی که باعث استقبال از آنها شده است شامل موارد زیر است: انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی (هر چند امکان انتشار اطلاعات نادرست وجود دارد، اما مخاطب می‌تواند اطلاعات را در پایگاه‌های مختلف با هم مقایسه کند و حتی میتواند از این طریق قدرت نقد و تحلیل خود را افزایش دهد)، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی که به عنوان یک پردازشگر بزرگ عمل می‌کند (نیروی ذهن و تفکر کاربران شبکه های اجتماعی با یکدیگر ترکیب می‌شود و نیروی بزرگی را ایجاد می‌کند).

۱- شبکه اجتماعی (آنلاین)

شبکه اجتماعی آنلاین در ذیل مفهوم رسانه اجتماعی قرار می‌گیرد که البته عمده بار مفهومی این اصطلاح مربوط به شبکه‌های اجتماعی است. تعاریف موجود از رسانه اجتماعی بسیار متنوع است. اغلب این تعاریف بر دو عنصر اشتراک گذاری و تعامل تاکید دارند. برخی از تعاریف تولید و انتشار محتوا را برجسته‌تر کرده‌اند و رسانه های اجتماعی را رسانه ای دانسته‌اند که امور تولید ویدئو، صدا، متن یا چند رسانه ای در آن توسط کاربران انجام می‌شود و در محیط اجتماعی مجازی مشترک بین افراد به اشتراک گذاشته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).



رسانه اجتماعی نرم افزاری است که افراد را قادر می‌کند تولیدات خود را به صورت آنلاین و مستقیم انتشار دهند و امکان ایجاد اجتماعات بین افراد و سازمان‌ها را بدون فیلتر امکان‌پذیر می‌کند. رسانه اجتماعی برای اهداف متفاوتی به کار برده می‌شود و سکویی برای معرفی خود، و ابزاری برای مدیریت روابط و اطلاعات ارائه می‌کنند.

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چپای بارنز در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به مفهومی کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود: مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی شامل مردم و سازمانها که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصلند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزشها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است (معمار، ۱۳۹۱: ۱۵۷). شبکه اجتماعی مجازی شبکه‌ای است که اشخاص را برای ایجاد و نگهداری ارتباطات شخصی توانا می‌سازد. شبکه اجتماعی مجازی دارای فضایی است که اجازه می‌دهد افراد در جامعه‌ای جدید، به طور مجازی زندگی کنند و ضمن حفظ ارتباط خود، دوستان جدید بیابند و بستری برای برقراری ارتباط و بحث و مبادله نظر فراهم کنند.

تمرکز ما در این تحقیق بر روی انجام فعالیتهای مربوط به امور عمومی و فعالیت‌های سیاسی از قبیل یادگیری اشخاص در مورد انجام فعالیت و مشارکت سیاست محور، بحث در مورد موضوعات داغ سیاسی و اشتراک گذاری اخبار و اطلاعات سیاسی است.

۲- مشارکت سیاسی

مشارکت یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی است که مفهوم عام آن به معنای شرکت در فعالیت سیاسی یا حضور در گروه یا سازمان، برای تصمیم‌گیری و پذیرش نقش است (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۸۰). مشارکت به طور کلی شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اساسی مشارکت: فعالیت شهروندی، رای دادن و دیگر شکل‌های مشغولیت‌های انتخاباتی، تماس با مقامات عمومی، عضویت در سازمان‌های مدنی، یا حتی اعتراض و تظاهرات است. در فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی این‌گونه تعریف شده است: شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد (ابراکرامی، ۱۳۶۷: ۲۸۶). اهمیت مفهوم مشارکت برای دموکراسی به گونه‌ای است که بسیاری از محققان مفهوم دموکراسی را در پیوند با مفهوم مشارکت تعریف می‌کنند و دموکراسی را مشارکت فعال و داوطلبانه مردم در اداره کارهای عمومی می‌دانند (عالم، ۱۳۸۳: ۲۸۴). الن دوبنوا با تاکید بر مسئله دموکراسی معتقد است که حاکمیت مردم در مشارکت عمومی متجلی می‌شود. منظور وی از مشارکت این است که فرد به تجربه شخصی خود را



عضوی از جماعت و جزئی از کل بدن بداند و نقش فعالی را که در این گونه تعلق و وابستگی مستتر است به درستی ارائه کند (عالی زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی مشارکت سیاسی را در دو نوع متعارف و غیر متعارف تعریف می کنند:

۱. **مشارکت سیاسی متعارف:** با شرکت در احزاب و سازمان های رسمی، شرکت در انتخابات، حضور در راهپیمایی ها، گفت و گو درباره مسایل سیاسی، کمک مالی به گروه های سیاسی تعریف می شود. مشارکت سیاسی متعارف نیز در ذیل دو نوع بررسی می شود: شیوه های مشارکت سیاسی مربوط به انتخاب کردن همانند رای دادن و مبارزات انتخاباتی، و دیگر شیوه های مشارکتی که غیر انتخابی هستند مانند تماس های شهروند محور با مقامات رسمی، پیوستن به سازمان ها.

۲. **مشارکت سیاسی غیر متعارف:** مشارکت غیر متعارف هر گونه عمل داوطلبانه ای است که اعضای جامعه به منظور تأثیر گذاری بر نظام و جریان های سیاسی و در خارج از چارچوب های تعیین شده و رسمی توسط سازمان ها و نهادها رسمی کشور انجام می دهند (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۸۱). این نوع مشارکت شامل اعتصاب ها، تظاهرات خیابانی، بست نشستن ها، ایجاد راهبندان، و اشغال اماکن. صورت های کنش جمعی کم و بیش تعارض آمیز برای مطالبات اجتماعی که زندگی سیاسی را خارج از انقضای دوره های انتخاباتی به چالش می کشند.

اخیرا با پیشرفت سریع اینترنت مردم می توانند به صورت آنلاین در سیاست مشارکت کنند. همانند پیوستن به گفت و گوهای گروهی آنلاین یا سازمان های مجازی، بحث های سیاسی، گفت و گوی چهره به چهره با مقامات رسمی که اکنون به صورت وسیعی در رسانه های اجتماعی عضویت دارند، عضویت در گروه ها یا کانال های شخصیت های مستقل یا مطرح مانند استادان دانشگاه، کارشناسان رشته های مختلف، شرکت در گفت و گو هایی که برای بررسی سیاست های عمومی تشکیل شده اند.

۳- تأثیرات شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی

زیمل یکی از اندیشمندان جامعه شناسی کلاسیک، عضویت در شبکه های اجتماعی را باعث خودآگاهی و رشد فردیت در افراد می داند. طبق نظر زیمل هرگاه عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جایز را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه ای از حلقه های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می شود. وابستگی چندگانه به انواع حلقه های اجتماعی به خود آگاهی بیشتری می انجامد. انشعاب تعلق گروهی یک نوع احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می سازد. پس وجود شبکه حلقه های اجتماعی پیش شرط پیدایش فردگرایی است (کوزر، ۱۳۹۰: ۲۶۴). از آنجا که هر شبکه اجتماعی مجازی می تواند سطح متفاوتی از اجتماعی سازی را فراهم کند با استفاده از این سطوح می توان آن را طبقه بندی کرد: سطح اول دسترسی به اطلاعات شبکه را ممکن می سازد. سطح دوم سبب می شود کاربران محتوای دیجیتالی را مبادله کنند و سطح سوم، امکان پیوستن و مشارکت در یک منفعت جمعی یا به عبارتی مشارکت در یک اقدام



هماهنگ را برقرار می‌کند و سطح چهارم باعث میشود اعضا پروفایل های خود را آشکار، شبیه سه بعدی مشاهده کنند (خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

پس شبکه های آنلاین امروزه با این امکانات و سطح دسترسی بالا، توانایی اثر گذاری بالقوه بر فرایند مشارکت های سیاسی و اجتماعی کاربران را دارا هستند.

چهار بعد استفاده از سایت های اجتماعی شامل: تبادل اطلاعات و استفاده ابزاری، استفاده ارتباطی و شبکه سازی اجتماعی، کاربرد به صورت سرگرمی و پایه ای برای فعالیت های سیاسی می‌باشد. طبقه بندی زیر نیز در این خصوص قابل توجه است:

اشتراک گذاری اطلاعات: شهروندان اغلب در مراحل اولیه آن در مورد برنامه ها آگاه می‌شوند.

مشورت: شهروندان جویای نظر دیگران درباره عقایدشان می‌شوند.

همکاری: شهروندان برای مشارکت فعال در انجام امور دعوت می‌شوند.

قدرت واگذار شده: شهروندان در اجرای برنامه مسئولیت می‌گیرند.

فعالیت حرفه ای: شهروندان بنیان گذار و کنترل کننده هستند.

تحلیل‌ها، استدلالی بر خلاف این دیدگاه که اینترنت تاثیر منفی بر مدنیت و التزام سیاسی دارد پیدا کرده‌اند؛ هر چند هنوز از امکان ایجاد یک تاثیر باثبات بر روی التزام سیاسی با استفاده از اینترنت موفق نبوده‌اند. مطالعه ما بر روی شبکه اجتماعی متمرکز است که مجموعه ای است از امکان ارتباط آنلاین (چت)، بارگذاری ویدئو، فرستادن ایمیل، شکل گرفتن گروه‌های گفتگویی و اشتراک گذاری فایل‌ها.

دیدگاه‌ها در مورد امکان ایجاد مشارکت سیاسی با استفاده از اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی آنلاین، متفاوت است. در مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی و سایت‌های اجتماعی دو فرض مطرح می‌شود: نخست تفاوت بین مشارکت سیاسی آنلاین و مشارکت سیاسی آفلاین و همچنین بحث‌های مربوط به مشارکت سنتی و شکل‌های جدید مشارکت. فرض دوم مربوط به نحوه استفاده کاربران شبکه‌های اجتماعی از این شبکه‌هاست. مشخص کردن نحوه استفاده مردم از این سایت‌ها تغییر بزرگی بر روی قضاوت در مورد تاثیر این شبکه‌ها بر روی مشارکت ایفا می‌کند. مردم از این شبکه‌ها برای حفظ روابطشان، ایجاد یا حفظ هویتشان، پایش اجتماعی، اشتراک اطلاعات و برای سرگرمی استفاده می‌کنند. استفاده از این ابزار تنها برای اهداف سرگرمی، تاثیر منفی بر مشارکت مدنی ایفا می‌کند و شناخت و مشارکت، موقعی دست یافتنی است که هدف استفاده از این رسانه‌ها، با اطلاع و آگاهانه باشد.

تحقیقات در مورد راه‌های مختلف دسترسی به اینترنت دو نتیجه دربر داشته است: نخست میزان استفاده از اینترنت و دوم شکل استفاده از آن. درباره میزان استفاده از اینترنت تحقیقات نشان داده است که بستگی به انگیزش‌ها، امکانات و مهارت‌های استفاده کننده دارد و همبستگی نزدیکی با سه شکاف مختلف اجتماعی دارد. نخست شکاف اجتماعی- اقتصادی: افرادی با درآمد اقتصادی و آموزش نسبتاً پایین استفاده کمتری



از افرادی با درآمد و آموزش نسبتا بالا دارند. دوم شکاف جنسیتی: زنان کمتر از مردان از اینترنت استفاده می کنند. شکاف آخر شکاف سنی است. افراد مسن تر استفاده کمتری از این وسیله دارند.

در مورد شکل های استفاده از اینترنت تقسیم بین کسانی است که دارای علایق سیاسی هستند و از شبکه و اینترنت برای اهداف سیاسی استفاده می کنند و کسانی که این کار را انجام نمی دهند. شبکه های اجتماعی یکی از کانال هایی است که افراد از طریق آن نقش اجتماعی خود را بازی می کنند. برای مثال جوانان برای مستحکم تر کردن ارتباطات خود و در درجاتی کمتر برای آشنایی با افراد جدید به این سایت ها می پیوندند. به علاوه این راه جدیدی است برای تبادل اطلاعات و بحث های موضوعی هم به صورت خصوصی هم به صورت عمومی. تعاملات منظم بین کاربران شبکه های اجتماعی می تواند باعث پرورش اعتماد و قواعد عمل متقابل شود که کلید اولیه برای زندگی اجتماعی هستند.

برخی از صاحب نظران، این دیدگاه ها را در سه بخش مختلف تقسیم بندی کرده اند. دسته نخست محققان خوش بین، دسته دوم نرمالیست ها و دسته سوم محققان بدبین به این روند هستند. از آنجا که بین دیدگاه های نرمال و خوش بین تفاوت های چشم گیری وجود ندارد و در کل این دسته از محققان بیشتر بر جنبه های مثبت این موضوع ورود می کنند، ما در این تحقیق تنها دو دیدگاه خوش بین و بدبین را به صورت کلی یادآور می شویم. محققان خوش بین درباره پتانسیل رسانه های اجتماعی برای آسان کردن و ترویج شکل های جدید تعهد سیاسی و زندگی عمومی صحبت می کنند. این ایده را که تنها شکل های مشارکت، شرکت در رای دادن و فعالیت های انتخابات محور است، رد می کنند. به عنوان مثال آنها با انجام تحقیقات جدید به این ارزیابی رسیده اند که جوانان، تعهدات مدنی را رها نکرده اند و در عوض شکل های جدیدی از التزام سیاسی را یافته اند. آنها بر شکل های جدیدی از سیاست همچون شرکت در اجتماعات مجازی با هم تیان و هم فکرا نشان بر روی موضوع خاصی تاکید و استدلال می کنند که این مسئله تغییر از شکل های مشارکت انتخاب محور به شکل های مشارکت دیجیتالی است.

تغییر مشارکت از تاکید بر بسیج سیاسی نسبت به دولت یا موسسات، بر تاکید بر بسیج نسبت به موضوعات و دلایل، این تغییر به وسیله سیاست شخصی و فردی مبنا می یابد و مردم بیشتر به وسیله ارتباط شخصی با موضوعات، بازتاب سبک زندگی شخصی شان، به عنوان رابط بین ساخت هویت های سیاسی بر گرد موسسات یا ساختار رسمی بسیج می شوند. شخصی سازی سیاست با ظهور پارادایم جدید شهروندی نیز مرتبط است که جایگزین شکل قدیمی شهروندی بر مبنای وظیفه و فداکاری شده است. البته مفهوم "سیاست شخصی" با "شخصی سازی سیاسی" که مبتنی بر کاریزمای رهبران سیاسی است، متفاوت است. تکنولوژی های دیجیتال، شکل های ابداعی مشارکت مدنی را آسان کرده اند. این روایت باور دارد که رفتارهای مبنی بر شبکه سازی آنلاین پیوستگی مثبتی با مدنیت و مشارکت سیاسی دارند. ارزیابی انجام گرفته از خدمات جمعی داوطلبانه برای پیوستن به اعتراضات یا تظاهرات برای فعالیت های حل مسئله مثبت بوده است.



توسعه سایت های شبکه اجتماعی، امکان تعداد بزرگی از بحث های مجازی را فراهم کرده اند. جمیز اسلوبین این تکنولوژی ها را دروازه های به سوی انواع نوین دادوستدهای اجتماعی، الگوهای جدید وابستگی های دو سویه و فرصت های دوباره بازسازی های سیاسی معرفی کرده است. کاستلز نیز رویکرد مثبتی به این مسئله دارد که امتیاز بزرگ شبکه، دسترسی آسان برای تمام کسانی که حرفی برای گفتن دارند، وجود دارد آن هم بی واسطه منافع قدرتمندی که رسانه های چاپی و کانال های پخش برنامه را کنترل می کنند. برای حضور در صفحه شبکه های جهانی نیاز به ثروت و قدرت نیست. استعداد رسانه های نوین برای کنار گذاشتن کانال های نهادمند حاضر، به نظر شانس بسیاری از افراد را افزایش می دهد و وابستگی شان را به منابع انحصاری گوناگون اطلاعات کاهش می دهد (دریگی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

در روایت دیگر محققان بدبین استدلال می کنند که پیوستگی بین استفاده از اینترنت و الترام سیاسی بسیار ضعیف بوده است. این روایت بر این پایه استوار است که استخوان بندی جوامع مدرن از هم گسیخته شده است. نسل جدید از سیاست و زندگی عمومی قطع رابطه کرده است. به ویژه جوانان که در جهان دیجیتال به دنیا آمده اند به طور فزاینده از شکل های مختلف سیاست رسمی مثل رای دادن و عضویت در احزاب بی علاقه شده است و درباره فعالیت های مدنی سنتی چون فعالیت های داوطلبانه در امور عمومی یا وظایف مدنی حس درستی ندارد. در این روایت رسانه های اجتماعی، نقشی مخرب دارند و مشارکت کنندگان را از تمرکز بر شکل های مشروع و رسمی مشارکت دور می کنند. پوتنام در مطالعه برجسته خود (سرمایه اجتماعی و زندگی مدنی در آمریکا ظهور و سقوط جامعه آمریکا) "تصویری شکسته" از التزامات مدنی در جامعه معاصر ترسیم می کند. او تمایل مردم به شرکت در انجمن های مدنی و شکل های مشابه را پایین می داند. او این تغییر را به درک فزاینده از ارتباط نزولی بین فرایندهای سیاسی رسمی و مردم آمریکا میدانند. پوتنام می نویسد: "اگر شما نقش های بازی و بازیگران را شناسید و نگران بازخوردها نباشید. به دور از ذهن است که خودتان نقشی بازی کنید. بروس بامبر نظریه ای دارد به عنوان "پلورالیسم شتاب داده شده". این نظریه بیان می کند که نت شتاب دهنده صورت بندی گروه های موضوعی و کنش است. این مسئله ساختار قدرت در آمریکا را تغییر داده است. اما نه به صورت انقلابی یا تغییر کیفی به فصلی جدید از تاریخ یا دوره دموکراسی. او می گوید توسعه ارتباطات و تاثیر آن بر روی مشارکت سیاسی وابسته است به میل یا خواسته موجود شخص برای مشارکت، به این معنی که فرد خواهان مشارکت بدون اینترنت نیز این کار را انجام می دهد. فرهنگ سیاسی و درجه آمادگی حکومت برای تعامل با شهروندان باعث می شود که رسانه های اجتماعی پتانسیل ایجاد امکان های جدید مشارکت سیاسی را فراهم کنند. در آخر مقبولیت و اعتماد به رسانه های دیجیتال و استفاده از آنها برای اهداف عمومی در بین شهروندان و داشتن سواد دیجیتال پایه های هر گونه مشارکت دیجیتال است.

این دیدگاه معتقد است که رسانه های جدید، باعث پسرفت انواع گفتمان های نظر خواهانه تر و سنگین تر جامعه مدنی شده است. این رسانه ها در بازاریابی تخصصی و تقسیم توده مردم تخصص یافته اند، و تمایلات



اجتماعی وسیع تر را دچار نابسامانی و جدایی کرده اند. همچنین هابرماس نسبت به تکنولوژی های جدید که به گمان او تعاملات ارتباطی و بدین ترتیب اساس استدلال یک جامعه باز و دموکراتیک را نابود کرده است، بدین است (دریگی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). اینترنت به نوعی احساس جامعه گرایی را ترویج می کند اما باید منتظر ماند و دید که آیا این احساس به همبستگی منجر می شود یا خیر (عطاران، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در این بخش به اشکال مختلفی که مشارکت سیاسی در شبکه های اجتماعی دارد می پردازیم:

۳-۱. گروه های مجازی سیاسی

گروه های مجازی شکل گرفته در شبکه های اجتماعی از جمله کارکردهای شبکه های اجتماعی است که با ایجاد حس امنیت و آزادی بیشتر، علاوه بر جلب مشارکت بالای سیاسی، بر صراحت پیام ها در تبادلات بین گروهها نیز می افزاید (کیانپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹). در شبکه مجازی، تعاملاتی وجود دارد که به واسطه گروه های خبری شبکه ای و اتاق های گفت و گو مشخص می شوند. در سطح جهان دهها هزار از چنین گروه های گفت و گو وجود دارد که پیوسته بسیاری از آنان از بین می روند و گروه های جدیدی تشکیل می شوند. همچنین کلیه اشکال مختلف ارتباط شبکه ای که توسط انواع نهادها و گروهها صورت می گیرد، جنبه مهمی از این ارتباطات افراد با یکدیگر در سطح وسیع است. مردم با یکدیگر نه تنها برای گفت و گو بلکه برای انجام کار در جهت اهداف سیاسی ارتباط برقرار می کنند. البته استفاده از اینترنت برای اهداف سیاسی و جست و جوی اطلاعات جدی در اقلیت قرار دارد. وقتی افراد درگیر گروهها و انجمن های داوطلبانه می شوند، هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی منفعت می برند. در حال حاضر اینترنت در حال تغییر راههایی است که ما با هم ارتباط برقرار و سازماندهی می کنیم و اجتماعی می شویم و به ویژه انقلاب اینترنت باعث ایجاد گروه های آنلاین شده است که در کارکرد شبیه گروه های آنلاین هستند.

امروزه همزمان با کاهش شکل گیری گروه های آنلاین؛ گروه های آنلاین در حال رشد هستند. تحقیقات نشان داده است که عضویت در گروه های آنلاین باعث افزایش مشارکت سیاسی آنلاین شده است. عضویت در این گروهها باعث رشد التزامات سیاسی از طریق چندین مکانیسم شده است. عضویت در گروه، باعث باز شدن راه برای بحث و مکالمه می شود که جزء جدا ناشدنی فرآیند یادگیری و منجر به تصمیم سازی و افزایش سطح مشارکت می شود. این گروهها باعث تبدیل شدن شبکه ها به مرکزی برای تبادل اطلاعات و کم هزینه تر کردن بحث ها و مناظرات می شود. این گروهها با کم ترین امکانات مادی و مقررات دست و پاگیر، باعث اشتراک ارزش ها و ایده ها می شود. در جهت دیگر اینترنت ممکن است باعث بالارفتن امکان "ظاهر شدن گزینشی" شود. جریانی که به وسیله آن افراد با گزینش گری پیام های دلخواه خود، خودشان را بیشتر در معرض دید قرار می دهند. با این مزیت گزینش گری، افراد در جریان



وب‌گردی تنها گروه‌هایی را انتخاب می‌کنند که در بحث‌های سیاسی با آنها هم رای باشند. بنابراین گروه‌های آنلاین ممکن است منجر به کوتاه بینی‌های ایدئولوژیکی شود.

زمان رویارویی (چهره به چهره) مولفه مهمی برای ترغیب افراد به مشارکت است. برخورد‌های فیزیکی باعث شکل‌گیری اعتماد افراد به هم می‌شود. چون اینترنت باعث نمیشود افراد با هم برخورد فیزیکی داشته، یا باعث افزایش مسئولیت‌پذیری افراد نمیشود، به طور بالقوه باعث آسیب به تأثیرات همبستگی افراد می‌شود. البته برخی محققان اعتقاد دارند که دو شکل ارتباط آنلاین و آفلاین بسیار شبیه هم و حتی مکمل همدیگر هستند. هر چند تأثیر گذاری گروه‌های آنلاین وابسته به نوع بحث و کیفیت نظرات ارائه داده شده است.

۲-۳. بحث‌های سیاسی مجازی

بحث سیاسی به جزئی از یک مذاکره یا گفت و گوی سیاسی گفته می‌شود که بین دو نفر از اعضای غیرنخبه جامعه سیاسی روی می‌دهد. مذاکرات سیاسی نه تنها باعث مبادله اطلاعات می‌شود، بلکه چارچوبی تفسیری برای تفسیر اطلاعات ارائه می‌دهد. با اشاعه اینترنت، بحث‌های رایانه‌ای نیز به بحث‌های چهره به چهره افزوده شده است، بحث‌های آفلاین به صورت بصری است و بحث‌های آنلاین به صورت نوشته و شاید غیر همزمان و در شرایط گمنامی است. اگر گمنام بودن هزینه‌های بحث سیاسی را پایین آورد و باعث انتقال بهتر مفاهیم به صورت نوشته شود، باعث بالارفتن امکان مشارکت سیاسی می‌شود و برعکس اگر گمنامی باعث تبادلات غیر متمدنانه شود و محتوای وب باعث حواس پرتی افراد شود بحث‌های آنلاین باعث تأثیر کمتر از بحث‌های چهره به چهره می‌شود.

بحث‌ها بین افراد مختلف با درجه صمیمیت بالا و پایین نیز در این فرایند رخ می‌دهند. بحث‌های میان دوستان معمولاً با اعتماد، احترام، نفوذ و احترام متقابل است. اما بحث کردن با بازدیدکننده‌ها و غریبه‌ها از صمیمیت کمی برخوردار است. درجه همبستگی قوی شبکه‌ها یا همبستگی ضعیف شبکه‌ها به عنوان دو نوع از بحث‌های شبکه‌ای مطرح است که تأثیر متفاوتی بر مشارکت سیاسی دارد. مطالعات نشان داده است که همبستگی قوی شبکه‌ها عامل کلیدی برای یارگیری سیاسی و مشارکت است. برخی عکس این تحلیل را انجام می‌دهند.

در قلمرو سیاسی، همبستگی کم باعث جابه‌جایی اطلاعات، تحریک سیاسی و عرضه فرصت‌های جدید برای مشارکت می‌شود. ویژگی مشخص بحث‌های شبکه‌ای توسعه مشارکت سیاسی آنلاین است و این بحث‌ها جزء مهمی برای تعهدات مدنی شهروندان است. بنابراین موافقت یا مخالفت در این بحث‌ها دو مسئله متضاد با هم نیستند. هر دو به یک اندازه بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر گذار است. پس بحث‌های گروهی سیاسی می‌تواند باعث وحدت و انسجام بین افراد شود و از هم گسیختگی و ذره‌ای شدن افراد که موجب کم اثر شدن فرد و انفعال سیاسی می‌شود جلوگیری شود.



۳-۳. اخبار سیاسی آنلاین

تحقیقات انجام شده نشان داده است کاربرانی که از شبکه های اجتماعی به دلایل سیاسی استفاده کرده اند (بازدید از صفحه کاندیدها، فرستادن پیام برای آنها) برای مشارکت در فعالیت های مدنی علاقه مندتر بوده اند. شبکه های اجتماعی برتری ویژه ای برای راهپیمایی های انتخاباتی دارند. این شبکه ها اهمیت زیادی برای کاربران به مثابه منبع اطلاعات سیاسی به خصوص برای جوانان دارد. همچنین کاربران شبکه های اجتماعی اعتبار اخبار شبکه های اجتماعی را بالا و با اعتبار ارزیابی کرده اند. کسانی که بیشتر اخبار آنلاین را مطالعه می کردند، بیشتر علاقه مند به دیگر شکل های مشارکت آنلاین از خود نشان داده اند. شبکه های اجتماعی مکان هایی هستند که بیشترین حجم اطلاعات و اخبار در آنان مبادله می شود اما ممکن است درصد کمی از آن مربوط به امور عمومی است یا همانند تلویزیون محتوای بیشتری مربوط به سرگرمی است و بخش اخبار کوتاه است. البته با این تفاوت که سایت های شبکه اجتماعی با زندگی خصوصی در هم پیوسته است.

مردم مطمئناً از شبکه های اجتماعی بیشتر برای ساخت هویت شخصی، روابط اجتماعی یا سرگرمی استفاده می کنند. هرچند هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که مردم نتوانند از این شبکه ها برای امور عمومی استفاده کنند. شواهد یک مورد مطالعه در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا وجود دارد که در آن مردم اخبار گوناگون را از سازمان های خبری مختلف مانند هافینگتون، نیویورک تایمز و سی ان ان، در پروفایل های خود منتشر می کردند. بر این اساس شبکه های اجتماعی می توانند برای دسترسی به اخبار مورد استفاده قرار گیرند و این امر باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی فرد و تأثیر مثبت بر روی مشارکت و التزام سیاسی هم در حالت آنلاین و هم در حالت آفلاین دارد. پس طبق این فرض هویت سیاسی افراد و جهت گیری روانشناختی آنان تأثیر زیادی بر روی تمایل آنان برای پیوستن به مشارکت های مدنی و فعالیت های سیاسی دارد. شکل استفاده از رسانه برای کسب اطلاعات یا ساخت اجتماعی، کمک مثبتی برای مشارکت مدنی دارد. به همین ترتیب، استفاده از رسانه برای سرگرمی مانند تماشای شوهای آنلاین و فیلم ها، تأثیر منفی بر التزامات مدنی دارد. رسانه خبری مانند برنامه های اخبار می تواند رفتارهای مدنی را با استفاده از استدلال ها و اطلاع از جزئیات رویدادها گسترش دهد. فرایند ارتباط بین افراد با استفاده از مبادله اطلاعات بر رفتار و جهت گیری فکری مردم تأثیر زیادی دارد.

از راههای مختلفی می توان از رسانه های اجتماعی برای مشارکت سیاسی استفاده کرد که می توان آنها را طبق نحوه جهت دهی تعاملات (حکومت با شهروندان یا شهروندان با حکومت) تقسیم بندی کرد.

۳-۴. جنبش (پوش) اجتماعی در بستر شبکه های اجتماعی مجازی

جنبش های اجتماعی از جمله کنش ها و تعاملاتی است که از پایین به بالا و برای تأثیر گذاری بر حکومت، طبق علایق شرکت کنندگان است. مبارزات نمادین برای درک جهان اجتماعی می تواند دو شکل متفاوت



به خود بگیرد. از جنبه عینی می‌تواند از طریق کنش‌های بازنمایی فردی یا جمعی به قصد نمایان کردن و ارزش دادن به برخی از واقعیت‌ها باشد (بون ویتز، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در جنبش‌های اجتماعی معاصر توجه بر آنچه زیست-جهان نامیده می‌شود، عواملی چون هویت، زندگی شخصی، همسایگی، جنسیت و روش زندگی تمرکز یافته است و در حوزه سیاست نیز دنیال تغییرات اساسی در نحوه زندگی اجتماعی، به خصوص در حوزه دموکراسی و جامعه مدنی هستند. یک جنبش اجتماعی شبکه‌ای از تعاملات غیر رسمی بین افراد، گروه‌ها یا سازمانهاست که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردی سیاسی و فرهنگی درگیر هستند (نش، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

رسانه‌های اجتماعی از چند طریق می‌توانند بر جنبش‌های اعتراضی تأثیر بگذارند: نخست رسانه اجتماعی می‌تواند با سرعت بسیار زیادی به شکل‌گیری جنبش کمک کند. دوم رسانه اجتماعی می‌تواند نقش با اهمیتی در به کارگیری افراد در جنبش بازی کند. سوم وقتی جنبش کاملاً در حال نوسان است، رسانه می‌تواند اطلاعات مخاطبان در مورد آنان را گسترش دهد. رسانه اجتماعی می‌تواند دریافت اطلاعات برای محاسبه هزینه‌های بالقوه یا مزایای مشارکت در جنبش را مشخص نماید و رسانه‌ها امروزه به راحتی می‌توانند با فشار یک دکمه صفحه کلید کامپیوتر یا گوشی هوشمند، پیام‌های افراد درگیر در جنبش را به صدها و هزاران فرد برسانند. به علاوه این افکار از طریق شبکه‌هایی که خود افراد آنها را ساخته‌اند مانند شبکه‌های دوستان، در شبکه‌های اجتماعی منتقل می‌شوند. وقتی این اطلاع‌یابی‌ها از طریق این شبکه‌های شخصی انتقال داده می‌شوند، درجه تأثیر آن بر روی افراد بسیار بیشتر از آن است که بخواهند از طریق اخبار آگاهی پیدا کنند. سازماندهی جنبش‌ها از طریق امکان ایجاد انجمن‌های مجازی به آسانی انجام می‌شود. این رسانه‌ها می‌توانند با تسهیم اطلاعات، کارکردهای مختلف را برای افراد متفاوت تعیین نمایند، رژیم‌ها را وادار به پاسخ‌گویی کنند، اطلاعات مختلف را برای مقابله با پلیس ضد شورش انجام دهند و کمک‌های پزشکی را برای آسیب‌دیدگان به سرعت فراهم نمایند.

در زمان‌هایی که بازتاب تحولات فضای مجازی در قالب سیاست به معنای سنتی آن نمود نمی‌یابد، بلافاصله سخن از انسداد سیاسی یا پوپولیسم محکوم به شکست به میان می‌آید یا تحلیل‌ها در چارچوب بدبینی ناشی از عدم سازماندهی و یکسانی مطالبات و در نتیجه در نظر نگرفتن جایگاه برای آنان در سیاست رقم می‌خورد. لذا نمی‌توان پذیرفت جنبش‌هایی که در محیط مجازی شبکه‌های اجتماعی رشد کرده‌اند در سیاست نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در عین حال انسداد سیاسی را در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی به گونه‌ای تعریف می‌کنند که انگار نمی‌تواند تولد حوزه‌های جدید برای عرض اندام سیاسی یافت و تنها سیاست را باید در نهایت در پای میز مذاکره و دادوستد‌های معمول سیاسی در فضاها از پیش تعیین شده به دست آورد (دریگی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).



۳-۵. حکومتداری خوب

مفهوم حکمرانی خوب بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی سیاسی استوار است که حکومت‌ها به جای آن که به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه خود را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و سازمانهای مردم نهاد، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه خود محسوب شوند. رسانه های اجتماعی، قابلیت عرضه طیف بالقوه ای از حکومت‌داری ابتکاری و یافتن راههای جدیدی برای تعامل حکومت و شهروندان را دارا هستند، مانند استماع خواست شهروندان و عقایدشان و همچنین درگیر کردن آنان در تعیین دستور کار و فرآیند تصمیم گیری. همچنین با گسترش شفافیت و مسئولیت پذیری و بهبود خدمات اجتماع محور، بیشترین پتانسیل استفاده از رسانه های اجتماعی برای حکمرانی خوب، قدرت گرفتن ارتباط مستقیم و تعامل بین حکومت و شهروندان است. حکومت ها می توانند بدون فیلتر رسانه‌های جمعی، به شهروندان دسترسی داشته باشند. این رسانه ها منبعی مجازی از اطلاعات هستند برای حکومت هایی که می خواهند وظایفشان را بر اساس تدبیر انجام دهند. رسانه اجتماعی می تواند در مراحل مختلفی از فرایند حکومت داری خوب به کار برده شود. همچون تعیین دستور کار، ایجاد علاقه عمومی به مشکلات عمومی یا استفاده از رسانه اجتماعی برای جمع آوری نظرات یا ایده‌ها برای درگیر کردن شهروندان در فرآیند تعیین دستور کار و تعریف موضوعات مربوط به حوزه عمومی.

طرح کردن خط مشی‌ها: رسانه ها برای مطلع کردن و مشورت با عموم و جمع آوری ورودی برای تدوین خط مشی های جدید به کار برده می شوند.

نظارت و ارزشیابی: رسانه های اجتماعی را می توان برای دیده شدن نظرات و پایش آنها به کار گرفت. حکمرانی، پیامد تعامل دولت و شهروندان از طریق فرآیند سیاسی، توسعه سیاستگذاری، طراحی برنامه و ارائه خدمت است. شبکه های اجتماعی با افزایش شفافیت حکومت، باعث قوی تر شدن شهروندان در مقابل حکومت می شوند. با استفاده از اطلاعات تعبیه شده در رسانه ها و شبکه های اجتماعی، شهروندان دسترسی بی سابقه ای به حکومت ها پیدا کرده اند. این مسئله باعث نزدیکی فرهنگی مردم و حکومت ها می شود. همکاری نزدیک حکومت و شهروندان باعث می شود دستگاههای حکومتی و شهروندان به سرعت تغییرات و خط مشی های حکومتی را هماهنگ کنند. این شبکه ها این پتانسیل را دارند که باعث کاهش فساد و قدرتمندتر شدن شهروندان در فرایند تصمیم سازی باشند و باعث قوی تر شدن سیستم کنترل و توازن شود. البته این مسئله وابسته به بخش های مختلفی اعم از بازیگران فردی، سازمان ها و سیستم سیاسی اقتصادی است.



نتیجه گیری

با تغییر ویژگی‌های ارتباطی افراد جامعه، از طریق رسانه‌های نوین اجتماعی، همچون شبکه‌های اجتماعی، میزان و نحوه مشارکت افراد جامعه در فرایندهای سیاسی نیز متفاوت تر از قبل است. مشارکت افراد جامعه به شکل کنش‌ها یا تصمیمات سیاسی روز به روز با تعاریف سنتی انجام گرفته از این مفهوم متفاوت تر می‌شود و ویژگی‌های جدیدی پیدا می‌کند که مطابق با زندگی و سطح فرهنگی شهروندان جوامع جدید است. شیوه‌های مشارکت افراد به طور روزافزونی به سوی سیاست‌های شخصی و مطابق با زندگی شخصی افراد سامان می‌گیرد و بدینی به رسانه‌های جمعی و سنتی همچون تلویزیون و بنگاه‌ها و موسساتی که خواهان کنترل بر روند زندگی افراد هستند، باعث روی آوردن بیشتر افراد جوامع اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، به سوی شبکه‌های اجتماعی و شرکت در زندگی مجازی و زندگی مطابق با افکار و اخلاقیات خود شده است. به طبع این شیوه از شبکه‌بندی اجتماعی، بر روند‌های سیاسی جامعه و تعاملات شهروندان با حکومت یا حکومت با شهروندان تاثیر زیادی گذاشته است. رشد روزافزون جنبش‌های نوین اجتماعی، ناشی از شخصی شدن روند سیاست و تاثیر زیاد شبکه‌های اجتماعی بر روی این روند است. به گونه‌ای که با استفاده از این شبکه‌ها سازمان‌یابی و هویت‌گیری مشترک افراد درگیر در این گروه‌ها و یارگیری برای جنبش بسیار سهل و آسان شده و تاثیر مشارکت سیاسی افراد در این شبکه‌ها، در جنبش‌ها بسیار آشکار است.

قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی، امکانی بی نظیر را برای افراد ایجاد کرده تا بتوانند به آسانی از سراسر مرزهای کشورها یا حتی فراتر از مرزها به عنوان یک جامعه مطرح شوند و امکان ارتباط و تعامل با هم و با اشتراک‌علاق و مشکلاتشان به نزدیکی فکری بیشتری دست یابند. افراد و کاربران از طریق امکان گفت و گوی‌های آنلاین با افراد مختلف با علائق و طبقات گوناگون یا مناظرات با مخالفان فکری خود، علائقشان تراش خورده و صیقل یابد و از این میان محرک‌های بیشتری برای شرکت در سیاست و فعالیت‌های مدنی پیدا کنند. البته خوش بینی محض به این شبکه‌ها نمی‌تواند محدودیت‌های این شبکه‌ها چه از نظر امکانات یا از جنبه زمینه یا فرهنگی که کاربران در آن زمینه قرار دارند را نادیده بگیرد.

بسیاری از محققان این شبکه‌ها را تنها ابزاری می‌بینند که می‌تواند با ادغام در زمینه فرهنگی و ساختار اجتماعی که کاربران در آن قرار دارند جنبه مثبت یا منفی بر مشارکت سیاسی ایفا کند. زیرا در بسیاری از جوامع، کاربران حتی نمی‌توانند آزادانه و بدون ترس از هزینه‌های سیاسی، در این شبکه‌ها مشارکت کنند و مشارکت در این شبکه‌ها تنها محدود به اهداف سرگرم کننده و برخی اوقات محل روند گذار به دموکراسی است. در برخی از مناطق همچون روستاها نیز کمبود امکانات ارتباطی باعث نابرابری بین این جوامع و جوامع شهری و برخوردار شده است و این جوامع روز به روز از هم دورتر و بیگانه‌تر می‌شوند.

اختلاف بین محققان در مورد اثرات شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی چه به عنوان نقش مختل کننده یا نقش مثبت، باعث واقع بینی بسیار بیشتر از قبل شده است و محققان بدون پیش داوری و هیجان



زدگی، نقش این شبکه ها بر فرایند دموکراتیک کردن جامعه یا روند گذار جوامع به دموکراسی را مورد بررسی قرار می دهند و جنبه های مثبت و منفی این شبکه ها بیش از پیش آشکار شده است.



فهرست منابع و مآخذ

- اسلوین، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.
- اکسفورد، بری، هاگینز، ریچارد (۱۳۸۵)، رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه بابک دریکی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- آبرکرامی، نیکلاس، استفن هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر چاپ پخش.
- بابایی، محمود، فهیمی فر، سپیده (۱۳۹۲)، ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطی، فصلنامه مطالعات ملی و کتابداری و سازماندهی اطلاعات، سال چهارم، شماره ۲۴.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹)، درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو، ترجمه: جهانگیر جهانگیری، حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.
- حافظ نیا، محمدرضا، قالیباف، محمدباقر، ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، قابلیت‌های فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم.
- خلیلی، محمد (۱۳۸۸)، تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر جوانان، سایت آفتاب قابل دسترس

در:

http://www.aftabir.com/articles/view/social/communications/c4_1388295747pf1.php

- دریکی، بابک (۱۳۸۹)، مشارکت رسانه‌های جدید در قلمرو سیاست. نشریه پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی، شماره پنجاهم. قابل دسترس در:

<http://csr.ir/departemants.aspx?abtd=05&&depid=62&semi d=441>.

- دورماگن، ژان ایو، موشار، دانیل (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش‌های اجتماعی و بسیج اعتراض‌ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی، پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۴.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عالی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی و تنوع رفتار رای‌دهندگان، نشریه فرهنگ اندیشه، سال هفتم، شماره ۲۶.
- کوزر، لوئیس (۱۳۹۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- مسعود نیا، حسین، محمود اوغلی، رضا، رهبر قاضی محمود رضا، فروغی، عاطفه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه مصرف اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال ۱۴، شماره‌های ۳۴-۳۵.



– نش، کیت (۱۳۸۷)، جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

– اسلامی، مروارید (۱۳۸۹)، بررسی شبکه‌های اجتماعی و تاثیرات آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی، قابل دسترسی در: [Http://civilica.com/paper-nopadid01_nopadid01_018](http://civilica.com/paper-nopadid01_nopadid01_018).